

روان‌شناسی رنگ‌ها در قرآن و حدیث

۱. پهلوان حسین^۱

چکیده:

جهان هستی با همه شگفتی‌هایش، پیش روی ماست. خالق زیبا آفرین و حکیم، اجزاء عالم را در اشکال و اندازه‌های مختلف آفرید و با رنگ‌های گوناگون و جذاب بیاراست تا بشر - برترین مخلوقش - با جهان و پدیده‌های آن ارتباطی عمیق و سرشار از احساس برقرار کند؛ در درک و فهم اسرار آن توفیق یابد و آسان‌تر به اهدافش دست یابد. آیات وحی و کلمات پیشوایان دین، بر نقش رنگ‌ها و گوناگونیشان در خلقت جهان، به گونه مستقیم یا غیر مستقیم توجه داده‌اند. کشف این ارتباطات و دلالت رنگ‌ها بر مفاهیم، در زندگی معنوی و مادی بشر نقش به‌سزایی خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: طبیعت، رنگ، روان‌شناسی.

درآمد

در ژرفای اسرار قرآنی، می‌توان از رموز رنگ‌ها و هر آنچه سبز و زرد، سیاه و سفید، سرخ و کبود در دل دارند و با ما گفتگو می‌گویند، نام برد.

﴿... وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَاسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (انعام: آیه ۵۹)؛ هیچ‌تر و خشکی در جهان نیست، مگر آن‌که در کتاب مبین [گنجانده] شده است.﴾

فصول سال، حاوی رنگ‌های مختلف است، و رنگ‌های مختلف گیاهان، نشانه‌هایی است برای خردمندان:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ فَيَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتَرِيهُ مُصْفِراً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِبَأُولِي الْأَلْبَابِ (زمرة: آیه ۲۱)؛ نمی‌بینی که خداوند آب باران را از آسمان فرو فرستاده و نهرها را در روی زمین جاری کرده و بعد انواع گیاهان، به رنگ‌های مختلف را به این وسیله رویاند، و بعد از این که سبز و خرم شده آن را می‌بینی که زرد شده است. آنگاه خداوند آن را چوب و علف خشک می‌گرداند؛ همانا در آن، صاحبان عقل متذکر شوند﴾

رنگارنگی، در خوراکی‌ها، خوردنشان را لذت‌بخش‌تر می‌کند:

﴿... فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهَا... (فاطر: آیه ۲۷)؛ ... سپس به واسطه باران، میوه‌های رنگارنگ را خارج کردیم...﴾

با وجود این که آب باران یکی است، اگر مقتضای بیرون آمدن میوه‌ها همین باران بود، باید همه میوه‌ها به یک رنگ باشند. پس همین اختلاف رنگ‌ها، دلیلی بر تدبیر الهی، در این رنگ‌آمیزی است (تفسیر المیزان: ج ۱۷ ص ۶۲).

علاوه بر این، از ویژگی‌های برخی گیاهان این است که در رنگ‌آمیزی اشیاء کاربرد دارند، و این نشان از اهمیت رنگ‌ها نزد خالق هستی است. دگرگونی زبان‌ها و رنگ‌های مردم نیز، آیتی برای دانشمندان دانسته شده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (روم: آیه ۲۲)؛ و یکی از نشانه‌های قدرت الهی، خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و گویش‌ها و اختلاف در رنگ پوست مردم است. همانا در این موارد، نشانه‌هایی برای دانشمندان آشکار است.﴾

این ناهمگونی شکل‌های مردم، یا اختلاف در رنگ و زبانشان، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام در کتاب توحید مفضل، به دلیل معاملاتی است که در میان ایشان جریان دارد، و آنها باید یکدیگر را با آن ویژگی‌ها بشناسند. همچنین به اعتقاد امام علی علیه السلام، رنگارنگی پرهای طاووس، سبب بروز احساسی همچون «تکبر» در وی می‌شود. ایشان در خطبه ۱۶۴ در نهج البلاغه می‌فرمایند:

... كَأَنَّهُ قَلِعٌ دَارِي عَجَاجٍ نَوْتِيهِ، يَخْتَلُ بِأَلْوَانِهِ ...

گویا آن دم، مانند بادبان کشتی است که کشتیبان، آن را از جانبی به جانبی می‌گرداند، و او به رنگ‌هایش تکبر نموده، به خود می‌نازد.

این گونه است که علم روانشناسی، امروزه ثابت کرده است که هر کدام از رنگ‌ها، نشانه یا درمان هستند، و می‌توانند در ایجاد جاذبه و دافعه، توازن و تعادل بین ذرات عالم، مؤثر باشند. حتی گاهی همین رنگ‌ها، راز دل‌خالیق را رو می‌کنند، به گونه‌ای که علاقه هر شخص به

توضیحات علمی - تخصصی - شماره ششم - پاییز و زمستان ۸۷

رنگی خاص، حکایت از شخصیت درونی و ذوق او دارد. پس ما را بر آن می‌دارند تا از دیدن این همه نظم در خلق موجودات، قُتبارک بر زبان جاری کنیم.

گفته شده است که رنگ‌های روشن، شادی آفرین، و رنگ‌های تیره، غم‌انگیز هستند. رنگ قرمز، تقویت‌کننده و محرک است. پزشکان قرون وسطی، نور قرمز را در معالجهٔ آبله و سرخک و مخملک و بسیاری از بیماری‌های پوستی به کار می‌بستند. این رنگ، اشتهاآور نیز است، و مناسب استفاده در وسایل آشپزخانه. روستائیان نیز به این گونه رنگ‌ها بیشتر تمایل دارند.

رنگ سبز، آرامش‌دهنده و استراحت‌دهنده است، و شهرنشینان معمولاً رنگ‌های سردی، مثل آبی و سبز را می‌پسندند. رنگ زرد، بسیاری از حشرات را دور می‌کند و حال آن‌که اکثر گل‌ها، به جهت وجود رنگ‌های مشتق از قرمز، جاذب حشراتی مانند زنبورها، قابل توجه است که اگر این گل‌ها در دامنهٔ تپه‌ای قرمز رنگ وجود داشته باشند، زنبورها به یقین در یافتن مسیر خود به سمت گل‌ها، دچار مشکل و اشتباه می‌شوند!!

در بیمارستان‌های روانی، بیماران تندخو را تحت تأثیر مداوم رنگ آبی، و بیماران منزوی و بی‌تحرک را، با رنگ زرد مداوم می‌کنند که این رنگ، یک نوع حالت محرک ذهنی و هوشی نیز دارد، و شدیداً موجب تقویت چشم است. خداوند این رنگ را برای تسکین و آرامش ناراحتی‌ها و خستگی‌ها آفریده است؛ از این روست که پزشکان، آن را برای اتاق بیماران تب‌دار تجویز می‌کنند (برگزیده از فصلنامه علمی پژوهشی دانشور: ش ۲۱؛ رنگ و تربیت: ص ۶۴).

طبق تحقیقات جامعه‌شناسی، در نهایت، رنگ‌ها نه تنها افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، بلکه منجر به پیشرفت و یا رکود یک جامعه می‌شوند (رنگ و تربیت: ص ۱۹). با انتخاب ناصحیح رنگ در مکان خود، و به‌کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، صدمات روحی شدیدی بر انسان وارد خواهد آمد (همان: ص ۲۶). «اصلاح اِملاءِ کودک با خط قرمز توسط معلم»، «چراغ قرمز هشدار دهنده برای رانندگان»، «سفید بودن پاکت شیر»، «رنگ آبی یا سبز روشن دیوارهای کلاس درس یا کتابخانه برای مطالعه بهتر» و «استفاده از پوشش سفید در عالم پزشکی و سبز برای بیماران»، همه و همه، مؤید این مطلب است که یک ارتباط تنگاتنگ بین نظام خلقت انسان و طبیعت وجود دارد. ولی در دنیایی ورای این طبیعت، «حقیقت» چیز دیگری است. حقیقتی که مولانا آن را این‌گونه بیان می‌کند:

ندارد رنگ آن عالم ولیک از تابهٔ دیده چو نور از جام رنگ‌آمیز این سرخ و کبود آمد

رنگ آبی:

آن‌جا که خداوند متعال فرمود:

﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا﴾ (انعام: آیه ۹۶)؛ خداست شکافندهٔ پردهٔ صبحگاهان، و او

شب را برای آسایش خلق قرار داد.

روان‌شناسی رنگ‌ها بر قرآن و حدیث

رنگ‌شناسان معتقدند: رنگ آبی تیره (رنگ شب)، ساختار آرامش و سکوت کامل دارد و تأثیر آرام‌بخشی در سیستم اعصاب برجای می‌گذارد و فشار خون، نبض و تنفس را می‌کاهد و در عین حال، بدن، تجدید قوا می‌یابد (روانشناسی رنگ‌ها)، از این رو بعید نیست که یکی از دلایل تأکید اسلام برای تهجد و شب‌زنده‌داری نیز همین باشد؛ چرا که انسان در لباس شب، از آرامشی بهره‌مند می‌شود که حتی اثر آن به معاش روز هم کشیده می‌شود. در اصل این رنگ، یک رنگ مقدسی است که در بین مردم محترم شمرده می‌شود. گنبدها و مناره‌های آبی، به مانند پلی بین زمین و آسمان محسوب می‌شوند (رنگ و تربیت: ص ۶۲).

رنگ زرد:

در سوره مبارکه بقره، آیه ۶۹، اشاره به درخواست قوم موسی شده است که:
 ﴿قَالُوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها. قال: إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين؛ گفتند از پروردگارت بخواه که رنگ گاو [که باید ذبح شود] را مشخص کند. خداوند فرمود: گاوی که به رنگ زرد خالص است، به طوری که بینندگان را شادمانی و سرور می‌بخشد.)

در عین حال در روانشناسی رنگ‌ها، رنگ زرد نشاط‌آور و چشم‌گیر عنوان شده است، و اثر آن به صورت روشنی و شادمانی و درخشانی ظاهر می‌شود (همان). رنگ‌ها در پسترهای مختلف، معانی متفاوتی دارند هم‌چنان که در جای دیگری از قرآن کریم، شراره‌های آتش، به شتران زرد مو تشبیه شده‌اند؛ تا این زردی، شدت و حدت شراره‌های آتش را به تصویر کشد، و بر روان آدمی اثر گذارد.
 ﴿إنها ترمی بشریر كاتقصر كأنه جملت صفر (مرسلات: آیه ۳۲ و ۳۳)؛ آن زبانه آتش، مانند کاخی شراره می‌افکند، گویی آن شراره (در بزرگی و رنگ)، مانند شتران زرد موی است.)
 چنان که در دعایی از حضرت زهرا علیها السلام جهت درخواست نزول مائده آسمانی از خداوند برای خانواده‌اش، آمده است که:

أَنْ النَّبِيَّ دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَنَظَرَ إِلَى صِفَارٍ وَجْهَيْهَا وَتَغَيَّرَ حَدَقَتَيْهَا؛ فَقَالَ لَهَا: يَا بِنْتِي، مَا الَّذِي آرَاهُ مِنْ صِفَارٍ وَجْهَيْكَ وَتَغَيَّرَ حَدَقَتَيْكَ؟ فَقَالَتْ: يَا أَبَتِي إِنَّ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعَمْنَا طَعَامًا...
 پیامبر داخل شدند و دیدند که دخترشان روی زرد و چشمان بیمارگونه دارد. به او فرمودند: دخترم! چرا این گونه‌ای؟ خانم حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: پدر، سه روز است که من و خانواده‌ام چیزی نخورده‌ایم. (بحار الأنوار: ج ۴۲ ص ۲۳؛ تفسیر رازی: ج ۱ ص ۴۶۳؛ تفسیر قرأت: ص ۱۹۹).

در سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، به کفش سیاه و نعل زرد رنگ سفارش شده است؛ چنان که در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده است که:
 مِنَ السُّنَّةِ الْخَفُّ الْأَسْوَدُ وَالنَّعْلُ الصَّفْرَاءُ (سنن النبی: ص ۱۳۲).

الحمد لله

دو فصلنامه علمی - تخصصی ■ شماره ششم - پاییز و زمستان ۸۷

و از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که:
 بر تو باد به نعل زرد، که چشم را جلا دهد و ذکر را سخت کند (محکم و قوی می‌کند) و
 غم را برطرف نماید (حلیة المتقین: ص ۱۲ و ۱۳).

و از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که:
 کُنَّا نَلْبَسُ الْمَعْصُفِرَ فِي الْبَيْتِ.
 ما در خانه، لباس زرد رنگ می‌پوشیم (سنن النبی: ص ۱۳۴).

رنگ سبز:

در مورد رنگ سبز نیز، آیات زیادی وجود دارد؛ آن‌جا که فرموده است:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ﴾ (یس: آیه ۸۰)؛ آن خدایی
 که برای بهره‌برداری شما از درخت سبز (و تر و تازه)، آتش قرار داده است، تا وقتی که
 می‌خواهید، برافروزید.

بنابراین، کشاورزی در اختیار صنعت قرار می‌گیرد و در نتیجه، سبز به سرخ تبدیل می‌شود
 (مجله نگاه حوزه). و هم‌چنین در مورد لباس و تکیه‌گاه بهشتیان، در سوره مبارکه الرحمن، آیه
 ۷۶ فرموده است:

﴿مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَ عَبْقَرِيِّ جِسَانٍ﴾؛ در حالی که بهشتیان بر بالش ابریشمی سبز
 و بساط زیبا تکیه زده‌اند.

همین‌طور در آیه ۳۱ سوره کهف می‌فرماید:

﴿... يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ...﴾؛ و لباس‌های سبز از حریر و دیبا می‌پوشند.

پس بی‌دلیل نیست که در دائرة المعارف تشیع آمده است:

سبز، شعار حیات و زندگی است و اهل بهشت، پیوسته زنده‌اند (دائرة المعارف تشیع: ج ۹
 ص ۵۷).

به علاوه، این رنگ نمایان‌گر عزم راسخ، پایداری و مقاومت در برابر تغییرات نیز می‌باشد
 (روانشناسی رنگ‌ها). مصداق این صبر و پایداری را، در درختان سبز می‌بینیم. در سوره مبارکه
 الرحمن آیه ۶۴، به رنگ سبز درختان بهشتی، این‌گونه اشاره شده است:

﴿مُدْهَامَاتَانِ﴾؛ آن دو بهشت سبز پر رنگ و پر درخت، که ابتهاج^۱ درختانش، به نهایت
 رسیده است (تفسیر المیزان: ج ۱۹ ص ۲۲۲).

۱. در بین مفسرین معروف است که مراد، دو درختِ مَرخ و عُقَار است که وقتی به هم ساییده شوند، مشتعل می‌گردند، در
 حالی که این دو شاخه، تر و تازه هستند (ترجمه تفسیر المیزان: ج ۱۷ ص ۱۷۷).
 ۲. شادی آور بودن.

روانشناسی رنگ‌ها در قرآن و حدیث

و در دعای حضرت امیر علیه السلام، این معنا از رنگ سبز درختان وارد شده است که:
 فَأَنْبِتْنَا بِهٖ حَدَائِقَ ذَاتَ يَهْجَةٍ... پس به وسیله باران، باغ‌هایی شادمانه آور و نشاط‌آور ایجاد
 کردیم... (موسوعه ادعیه: دعای روز دوم ماه از حضرت علی علیه السلام).
 و در جایی دیگر، ایشان نگاه به سبزه و چمن را، دعا و تعویذی برای درمان بیماری‌ها
 دانسته‌اند و فرموده‌اند:

و النَّظْرُ إِلَى الْخَضِرَةِ، نُشْرَةٌ (بِهَجِّ الْبِلَاغَةِ: حکمت ۴۰۰).

امروزه دانشمندان، رنگ سبز را برای درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی به کار
 می‌برند، و آن را خنک کننده، تعدیل کننده نور خورشید، مسکن و هیپنوتیک توصیف کرده‌اند.
 رنگ سبز در سیستم عصبی، برای بی‌خوابی‌ها و خستگی‌ها مؤثر است؛ فشار خون را کم می‌کند
 و مویرگ‌ها را منبسط می‌سازد (دایرة المعارف تشیح: ج ۹ ص ۵۸).

عده‌ی بسیاری از سادات در عصر حاضر، به نشانه‌ی انتساب به خاندان پیامبر، عمامه سبز یا
 لباس سبز می‌پوشند؛ شال سبز به گردن می‌اندازند (همان)؛ زیرا روایات در این زمینه موجود است
 که:

و كَانَ يُعْجِبُهُ الثَّيَابُ الْخَضِرُ.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، از لباس سبز خوششان می‌آمد (سنن التبی: ص ۲۰؛ معجزة البیضاء:
 ص ۱۴۰).

سیاه و سفید:

﴿... وَ مِنْ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر: آیه ۲۷)؛ ... و از
 کوه‌ها نیز راه‌هایی را خلق کرد؛ سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و به رنگ کاملاً
 سیاه.

طبق این آیه، کوه‌ها به رنگ سفید خالص نیستند؛ چنانچه در علم روانشناسی رنگ‌ها آمده
 است که:

رنگ سفید کامل، حتی در مدت کم، قدرت دید را (به علت خستگی اعصاب و عضلات
 چشم) تغییر داده، و دچار حوادث حاد و مزمن می‌کند، که در صورت مداومت، ممکن است
 تا مرحله ایجاد کوری پیش رود، مانند تماس طولانی با برف، یا منبع نور شدید طبیعی یا
 مصنوعی (ابین بهزیستی اسلام: ص ۷۵).

و در ادامه این آیه می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ (فاطر: آیه ۲۸)؛ و هم‌چنین آدمیان و جانوران و چارباغان را به رنگ‌های مختلف
 آفریدیم، و از جمله بندگانشان، تنها دانایان از او بیم دارند، و خدا نیرومند و آمرزگار است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدین معنا که بعضی از حیوانات و انسان‌ها نیز، مثل کوه‌ها و میوه‌ها، دارای رنگ‌های مختلف هستند؛ بعضی سفید، بعضی سرخ، و بعضی سیاهند و مختصر در این سه رنگ هم نیستند (تفسیر المیزان: ج ۱۷ ص ۶۵).

﴿... لتعارفوا... (حجرات: آیه ۱۳)؛ صرفاً به خاطر این که با این اختلاف رنگ و ... مردم یکدیگر را بهتر بشناسند.﴾

در آیاتی از قرآن کریم، تضاد بین رنگ‌ها، به عنوان نشانه قرار گرفته است:
 ﴿... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْآيُّضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ... (بقره: آیه ۱۸۷).﴾

این آیه، حکایت از این دارد که خط سفید و سیاه، مرزی مشخص است که می‌تواند نشانه آشکاری از فجر، برای بندگان باشد. حتی در آیاتی، سیاهی و سپیدی چهره انسان‌ها در قیامت هم، علامت است:

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران: آیات ۱۰۶ و ۱۰۷)؛ روزی بیاید که گروهی روسفید و گروهی روسیاهند. اما سیه‌رویان را نکوهش می‌کنند که چرا بعد از ایمان آوردن، باز کافر شدید. پس اکنون بچشید عذاب خدا را. اما روسفیدان در بهشت که محل رحمت خداست، درآیند و در آن، همیشه منتعم می‌باشند.﴾

علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان، در ذیل این آیه می‌فرماید:

چون مقام، مقام کفر و ناسپاسی در برابر نعمت‌های الهی است، و کفران نعمت هم خیانتی است که موجب انفعال و خجالت صاحبش می‌شود، لذا خدای متعال در ذکر عذاب آخرتی این‌گونه افراد، آن را که با خجالت و انفعال مناسب می‌باشد، یادآوری نموده است، یعنی از سیاه شدن چهره گناهکاران نام برده است - که در دنیا هم سیاه شدن چهره را کنایه از همین خجالت می‌دانند -.

هم‌چنین در طرف مقابل، که ثواب شاکرین را ذکر می‌فرماید، موضوع سفید شدن چهره را تذکر می‌دهد، که آن هم مناسب با مقام شاکران است، همانطور که در دنیا نیز سفیدی چهره را، کنایه از خشنودی و راضی بودن می‌دانند (تفسیر المیزان: ج ۳ ص ۶۱۰).

به همین دلیل، در دعایی که از امیر المؤمنین هنگام وضو گرفتن وارد شده است، می‌خوانیم:
 اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ.

که نشانه از همان بهجت و سرور و خوف و خجالت است. سفید، روشن‌ترین رنگ‌ها و نمادی از شادی و نشانه‌ای از صلح و صفا و تسلیم، و کنایه از پاکی و بی‌آلایشی و فضیلت و بزرگواری

است، و سیاه، تیره‌ترین رنگ‌ها در مقابل سفید، و نشانه هیبت و وقار، و شعار حزن و عزا می‌باشد
(بائرة المعارف تشیع: ج ۹ ص ۱۹۳ و ۴۵۱). همچنان که در دعای ۴۹ صحیفه سجادیه آمده است:

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهَمَا أَنْ تُعِيدَنِي
مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا ...

همانا به واسطه مقام رفیع پیامبرت و مقام سفید و نورانی علی علیه السلام، به سوی تو نزدیکی
می‌جویم، و به واسطه آن دو بزرگوار، به تو توجه می‌کنم؛ این که مرا پناه دهی از شر
بدی‌ها و ...

تعبیر به ولایت، یا درجه والای حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، کنایه از فضیلت و بزرگواری اوست.
روزهای ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ در هر ماه راه آیام البیض نامند؛ چون ماه در این شب‌ها، از اول تا آخر شب، طالع
است (بائرة المعارف تشیع: ج ۹ ص ۱۹۴؛ سفینه البحار: ج ۱ ص ۱۱۶).

در مورد رنگ سفید در سوره مبارکه صافات، آیات ۴۵ و ۴۶، آمده است:

﴿يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءُ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ؛ به معنای جام شرابی ذلال و صاف،
که برای نوشندگان لذت‌بخش است، و آن را بر بهشتیان دور می‌چرخانند﴾

یا در مورد معجزات حضرت موسی، در سوره مبارکه شعراء، آیه ۳۳، ذکر شده است:

﴿وَوَنَزَعَ يَدَهُ فَإِنَّا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ؛ همه دیدند که دستش سفید و تابان، از گریبان
بیرون آمد﴾

این ویژگی برای رنگ سفید به این دلیل مطرح می‌گردد که اشیاء سفید، در محیط، به خصوص در
تاریکی، حکم منبع نوری را دارند که اطراف خود را روشن می‌کنند (ایین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۸۸).
در جایی دیگر، برخلاف معانی سابق آمده است که یعقوب علیه السلام از کثرت اندوه و حزن، از
دیگران روی بگردانید و گفت:

﴿وَوَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يَوْسُفَ وَأَبْيَضتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهَوَّ كَظِيمٍ (یوسف: آیه ۸۴)؛ و آسفا، بر فراق یوسف عزیزم! و از گریه و غم، چشمانش سفید گشت﴾

همان‌طور که پیش از این ذکر گردید، این رنگ، سمبل خلوص، عفت، پارسایی، عصمت،
بی‌گناهی و حقیقت، و مهم‌تر از همه، صلح و پایان جنگ می‌باشد (رنگ و تربیت: ص ۸۷).
استحباب پوشیدن لباس سفید در نماز و همچنین پوشیدن لباس سفید احرام در مراسم حج،
شاید به همین دلیل باشد و از طرف دیگر، امروزه ثابت شده است که رنگ سفید کفن، از شدت
نفرت و کراهت و حساسیت روحی زندگان نسبت به اجساد مرده و بی‌جان، می‌کاهد، و اثرات
مطلوبی در روح خود می‌تواند دارد (ایین بهزیستی اسلام: ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ سفینه البحار: ج ۱
ص ۱۱۶)، به طوری که در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله، به انتخاب کفن سفید برای مردگانمان و

بائرة المعارف تشیع

لباس سفید برای خودمان سفارش شده‌ایم، و خود ایشان نیز، بیشتر لباس سفید می‌پوشیدند؛ «وَ كَانْ أَكْثَرَ ثِيَابِهِ بِيَاضٌ وَ يَقُولُ الْبَسُوهَا أَحْيَاكُمْ وَ كَفَّنُوا مَوْتَاكُمْ (به شماره ۱۹۸ رجوع شود)».

و اما از جمله آیاتی که به رنگ سیاه پرداخته است، سوره نحل، آیه ۵۸ است، که خداوند می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ؛ هنگامی که به یکی از آن‌ها، خبر دختر زادن همسرش را می‌دهند، از خشم، چهره‌اش سیاه می‌شود.﴾

و در مورد افرادی که مرتباً مرتکب گناه می‌شوند، در سوره یونس، آیه ۲۷ می‌خوانیم:

﴿... كَانَمَا أَغْشِيَتْ وَجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا...؛ گویی صورت آن‌ها را، پاره‌های تاریک شب پوشانیده است...﴾

و هم‌چنین از آن جایی که وضع گیاهان خشک و مرده، بازگو کننده فتنای دنیاست، با رنگ سبز سیر متمایل به سیاهی مطرح می‌شود.

﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (اعلی: آیه ۵)؛ سپس خداوند آن را خشک و سیاه قرار داد (تفسیر نمونه: ج ۲۶ ص ۲۸۷).﴾

در این رابطه، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ما من عبد إلا و فی قلبه نکتة بیضاء فإذا أذنب ذنباً خرج فی النکتة سوداء، فإن تاب ذهب ذلك السواد و إن تمادى فی الذنوب زاد ذلك السواد حتى یغطی البیاض فإن غطی البیاض لم یرجع صاحبیه إلى خیر أبداً.

هر بنده‌ای، در دلش نقطه سفیدی است که چون گناهی کند، خال سیاهی در آن پیدا شود. سپس اگر توبه کند، آن سیاهی برود و اگر به گناه ادامه دهد، به آن سیاهی اضافه شود، و تا جایی که روی سفیدی را بپوشاند، و وقتی روی سفیدی پوشیده شد دیگر هرگز صاحب آن دل، به سمت خیر نمی‌رود (اصول کافی: ج ۳ ص ۳۷۵).

البته رنگ سیاه، دارای اثرات مثبتی نیز می‌باشد، که حتی ضروری و لازم به نظر می‌رسد. از آن جا که این رنگ، تحریکات روحی را تخفیف می‌دهد و رنگی صامت و غیر محرک است، لذا نه تنها وسیله جلب توجه دیگران نمی‌شود، بلکه کمک به انصراف و عدم توجه نیز می‌کند (ابین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۱۴۶). استفاده از حجاب سیاه در بانوان، در واقع از این اصل تبعیت می‌کند، که باعث عدم توجه جنس مخالف می‌گردد (رنگ و تربیت: ص ۷۹).

هم‌چنین انتخاب فطری سیاه‌پوشی در مقام عزاء، در حقیقت سمبل فقدان شوق و ذوق بوده، و شخص یا اختیار کسوت سیاه، در حقیقت عملاً می‌خواهد به دیگران اعلام کند که آمادگی برقراری روابط گرم اجتماعی و یا دوستی، تحت این شرایط را ندارد (ابین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۱۴۱: سفینه البحار: ج ۱ ص ۱۷۰).

روان‌شناسی رنگ‌ها در قرآن و حدیث

اقدام همگانی جهت سیاه‌پوشی، در سوگ ائمه اطهار و اولیای الهی از طرف مسلمانان، می تواند در زنده نگه داشتن خاطره فجایع دشمنان اسلام، و ظلم و ستم جباران و ستمگران، و رسوا ساختن آن‌ها از یک طرف، و احیاء یادبود فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های بزرگان از طرف دیگر، منشأ اثر واقع شود. البته این سیاه‌پوشی، به قصد و نیت تعظیم شعائر الهی است، که اثر و ارزش حقیقی پیدا می‌کند.

پس رنگ سیاه، به خاطر فتنان بازتاب نور، همیشه و در همه جا، آثار شوم و نامطلوب، در زمینه روحی انسان بر جا نمی‌گذارد؛ بلکه در مواردی (مثلاً در عالم هنر)، همانقدر ارزش و اثر پیدا می‌کند، که سکوت در لابه‌لای اصوات و ألحان موسیقی (آیین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۱۴۹)!! در مورد مذمت رنگ سیاه، روایات معتبری وارد شده است، از آن جمله، فرمایش امام صادق علیه السلام است:

كان رسول الله ﷺ يكره السواد إلا في ثلاثة: العمامة والخف والكساء.

رسول خدا ﷺ در پوشیدن چیزی به رنگ سیاه اکراه داشت، مگر سه چیز: عمامه، کفش، عبا (سنن النبی: ص ۱۳۰-۱۳۱).

و در مورد مدح رنگ سیاه، وارد شده است که:

قال رسول الله ﷺ: أحب خضابكم إلى الله الحالك!

خداوند رنگ سیاه را برای خضاب، بیشتر دوست می‌دارد (بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۹۸؛ ثواب الأعمال: ص ۲۰).

و یا در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است:

أن رجلاً دخل على رسول الله ﷺ ... و قد خضب بالسواد فضحك إليه فقال هذا أحسن من ذاك و ذاك

مردی در حالی که ریش‌هایش را به رنگ زرد، و برای یار دوم به رنگ قرمز حنا، و برای یار سوم به رنگ سیاه خضاب کرده بود، نزد رسول خدا ﷺ آمد، و ایشان کار او را پسندیدند، و یار سوم به او خندیدند و گفتند: این رنگ، برای خضاب، از دو رنگ قبل بهتر است (بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۹۹).

رنگ قرمز:

در میان کلماتی که در سوره مبارکه فاطر، آیه ۲۷ آمده است، کلمه حمر، به معنای رنگ قرمز، دیده می‌شود:

۱. الشدید السواد.

۲. و شاید به این دلیل باشد که استفاده از رنگ سیاه برای خضاب، انسان را جوان‌تر و زیباتر می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ﴾؛ و از کوه‌ها نیز، راه‌هایی به رنگ سفید و سرخ و رنگ‌های مختلف و هم‌چنین کاملاً سیاه خلق کرد. ﴿
 زیرا در ترکیبات شیمیایی عناصر تشکیل دهنده کوه‌ها و سنگ‌ها، رنگ‌های مختلف، مانند سیاه، سفید، خاکستری، آبی، بنفش و حتی قرمز، وجود دارد.

آزمایشاتی که بر روی افراد متفاوت انجام داده‌اند و آنها را وادار به تفکر به رنگ قرمز سیر کرده‌اند، نشان داده است این رنگ، سیستم عصبی را تحریک می‌کند، یعنی فشار خون را بالا می‌برد و تنفس و ضربان قلب را سریع‌تر می‌کند. لذا رنگ قرمز، از لحاظ تأثیری که بر سیستم اعصاب دارد، یک عامل محرک به شمار می‌آید، و معنای فیزیولوژیک آن، داشتن آرزوهای بسیار، شور و شوق زندگی، و تهور و قدرت اراده است (روانشناسی رنگ‌ها: ص ۲۱).

کاربردی که از رنگ قرمز در روایات شده است، کما بیش با این معنا سازگار است، مانند: الموت الأحمر به معنای "مرگ سرخ"، که همان کشتار و خونریزی و مرگ سخت و خونین است (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۱). یا يوماً أحمر به معنای "روز سرخ"، که همان روز قتل و غارت و انواع سختی‌ها است (نهج البلاغه: خطبه ۷۱)، و یا "أحمر البأس"، که کنایه از سخت شدن کارزار جنگ است (نهج البلاغه: نامه ۹). در فرهنگ ملت و عرف ما نیز، رنگ سرخ، نشانه شهادت و خون دادن در راه حق است. البته قرمز در روایات، به معانی دیگر هم به کار رفته است، مانند: حمر النعم به معنای "شتران سرخ مو"، که منظور، بهترین چارپا و زیور دنیا است، و یا کبریت الأحمر، به معنای "کبریت روشن و سرخ"، که منظور، اکسیر کمیابی است که کیمیاگران در پی آن هستند.

در هر صورت، آنچه از سنت رسول خدا ﷺ در این زمینه به ما رسیده، کراهت ایشان در استفاده از رنگ قرمز برای لباس بوده است، مگر در اعیاد و در روز جمعه و برای جشن و شادمانی، که علت آن را می‌توان در تأثیر این رنگ بر روان آدمی جستجو کرد (سنن النبوی: ص ۱۳۳-۱۳۵ و ۱۳۷) و استفاده ایشان در زمینه‌هایی خاص از این رنگ، به همان معنا برمی‌گردد، مانند این که در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

كان في منزل رسول الله ﷺ زوج حمام أحمر.
 در خانه رسول خدا ﷺ، یک جفت کبوتر قرمز رنگ بود، و ایشان از آنها نگهداری می‌کردند (سنن النبوی: ص ۱۲۸-۱۲۳).

زیرا در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام، در کتاب مکارم الأخلاق آمده است که:

لَيْسَ مِنْ بَيْتِ نَبِيِّ إِلَّا وَفِيهِ حَمَامٌ، لَأَنَّ سَفَهَاءَ الْجَنِّ يُعْبَثُونَ فِي الْبَيْتِ فَإِذَا كَانَ فِيهِ حَمَامٌ عَيْثُوا بِالْحَمَامِ وَتَرَكَوا النَّاسَ.

در خانه همه انبیاء، کبوتر نگهداری می شده است؛ زیرا سفیهان جن، همواره با کودکان خانه بازی می کنند و آنان را به خود سرگرم می کنند و اگر کبوتر در آن خانه باشد، جنیان، با کبوتران مشغول می شوند و دیگران را رها می کنند (سنن النبی: ص ۱۲۸-۱۴۲).

حال این سؤال پیش می آید که چرا کبوتران قرمز؟ شاید بشود این گونه گفت که اگر کبوتران قرمز رنگ باشند، به دلیل جاذبیت و محرک بودن این رنگ، مؤثر واقع شوند و جلب توجه بیشتری کنند.

رنگ کبود:

رنگ ازرق یا کبود، یکی دیگر از رنگهایی است که در قرآن کریم از آن یاد شده است. این رنگ، منفورترین رنگها در نزد عرب محسوب می شود؛ مخصوصاً اگر رنگ چشم، کبود باشد؛ زیرا اعراب به دشمن خود می گویند: «أَزْرَقُ الْعَيْنِ» یعنی چشم کبود. در تفسیر المیزان علامه طباطبایی، در ذیل آیه ۱۰۲ سوره طه، آمده است که:

﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾؛ روزی که در صور دمیده می شود و گناهکاران را در آن روز، با چشم کبود محشور می کنیم.

مراد به ازرق، محشور شدن مجرمین و گناهکاران به صورت کور در قیامت است؛ زیرا وقتی چشم، بینایش را از دست می دهد، کبود می شود (تفسیر المیزان: ج ۱۴).

پس کبودی چشم، علامتی برای گناهکاران است. البته ممکن است از شدت تشنگی نیز، چشم و یا بدن کبود شود، هم چنان که در کتاب لسان العرب، این نکته ذکر شده است. در بیانات ارزنده‌ی امام صادق علیه السلام به مفضل، به معنای مثبتی از این رنگ اشاره شده است، و ایشان، این گونه فرموده‌اند:

فَكَرَّ فِي لَوْنِ السَّمَاءِ وَ مَا فِيهِ الصَّوَابُ التَّدْبِيرُ، فَإِنَّ هَذَا اللَّوْنَ أَشَدُّ الْأَلْوَانِ مَوَافَقَةً لِلْبَصْرِ وَ تَقْوِيَةً حَتَّى أَنْ مِنْ صِفَاتِ الْأَطْبَاءِ لِمَنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَضَرَ بَبَصْرِهِ إِدْمَانُ النَّارِ إِلَى الْخَضِرَةِ وَ مَا قَرُبَ مِنْهَا إِلَى السَّوَادِ وَ قَدْ وَصَفَ الْحَدَّثُاقُ مِنْهُمْ لِمَنْ كُلَّ بَصْرِهِ الْإِطْلَاعُ فِي إِجَانَةِ خَضِرَاءَ مَمْلُوءَةٍ مَاءً، فَانظُرْ كَيْفَ جَعَلَ لِلَّهِ جَلُّ وَ تَعَالَى أَدِيمُ السَّمَاءِ بِهَذَا اللَّوْنِ الْأَخْضَرَ إِلَى لِيَمْسَكَ الْأَبْصَارَ الْمُنْقَلِبَةَ عَلَيْهِ فَلَا يَنْكأُ فِيهَا بِطُولِ مِيَاشَرَتِهَا لَهُ ...

در رنگ آسمان خوب فکر کن؛ که موافق‌ترین رنگ‌هاست برای تقویت دیده و نور چشم، تا آنجا که اطباء می گویند اگر کسی ضعف بینایی داشته باشد، باید مرتب و پیوسته، در تفرار

الحمد لله

کیود رنگی نگاه کند که پر از آب است. پس فکر کن که چرا خداوند رنگ آسمان را به رنگ سبز مایل به سیاه (کبود) قرار داده است، که مکرر نگاه کردن به آن، بر چشم‌ها ضرر نرساند (بحار الأنوار: ج ۳ ص ۱۱۱؛ آئین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۸۳).

حاصل کلام:

از تأمل در آیات و روایات به وضوح به دست می‌آید که:

رنگ‌ها، حسن و قبح ذاتی ندارند و هر رنگ، دارای جنبه‌های روانی مثبت و گناه منفی، در بسترهای متفاوت می‌باشد. قرآن، انطباق وحی یا واقعیت است و فطرت انسانی، با کلام خداوند متعال، همواره یکسو و هم جهت است. بهترین رنگ‌ها از جانب خداوند متعال، در قرآن کریم (سوره مبارکه ی بقره: آیه ۱۲۸)، این گونه معرفی شده است:

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾
 است و ما برای او بنده‌ایم.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

الصَّبْغَةُ هِيَ الْإِسْلَامُ؛ آن رنگ‌آمیزی، اسلام است (اصول کافی: ج ۳ ص ۲۳).

و بندگی ما، تنها با رنگ خدایی معنا دارد و بس.

سخن آخر

اگر چه بحث در زمینه آفرینش شگفت رنگ‌ها، صاحبان فکر را به سوی صانع متعال می‌کشاند، و دنیاطلبان را نیز مدهوش خود می‌سازد و ارتباط آنان را با عالم بالا قطع می‌کند، لیکن به یاد داشته باشیم که از تعلق رنگ‌ها خارج شدن و به بی‌رنگی‌های معنوی دل سپردن، خود بهترین نوع رنگ گرفتن است. که البته این نیز، مقوله‌ای دیگر است، و از خداوند توفیق درک این مقام را می‌طلبیم.

روان‌شناسی رنگ‌ها در قرآن و حدیث

کتاب‌نامه

۱. آئین بهزیستی اسلام، دکتر احمد صبور اردوبادی، چاپ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۲. کافی، مرحوم کلینی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ۱۱۰ جلد، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری.
۴. تفسیر المیزان، استاد علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ناشر: بنیاد علمی فکری طباطبائی، ج ۱۷ از دوره ۲۰ جلدی، ۱۳۶۳.
۵. تفسیر رازی، ابوالفتح رازی، به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.
۶. تفسیر فرات، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تصحیح محمد کاظم، انتشارات: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۰ هـ.
۷. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، چاپ ۲۵، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۸. حلیة المتقین، محمدباقر مجلسی، ناشر: موعود اسلام.
۹. دائرة المعارف تشیع، حاج سید جوادی و خرمشاهی و خانی، چاپ اول، نشر محبتی، ۱۳۸۱.
۱۰. رنگ و تربیت، مهدی علی اکبرزاده، چاپ دوم، انتشارات میشا، چاپ سعید نو.
۱۱. روانشناسی رنگ‌ها، لوشر، ترجمه ویدا ابی زاده، چاپ چهاردهم، ناشر: دُرسا، محل نشر: خوشه، ۱۳۷۸.
۱۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، تقدیم و اشراف: علی اکبر الهی خراسانی، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.
۱۳. سنن النبی، علامه محمد حسین طباطبایی، ترجمه حامد رحمت کاشانی، نشر پیام عدالت.
۱۴. نهج البلاغه، سید رضی.

بلاغی

دو فصلنامه علمی - تخصصی - شماره ششم - پاییز و زمستان ۸۷